

تصمیمات دادگاهها

رویه دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه استان دادخواست پژوهش از قرار تقسیط را واژده

ماده ۲۶ قانون اعسار

رای داده است:

(چون قرار تقسیط مطابق ماده ۳۷ قانون اعسار در روی اصل دارائی نداشتن و با عدم کفایت دارائی برای تأدیه تمام بدهی مقرر گردیده بنا بر این قرار مزبور حکمی است که در زمینه اعسار صادر گردیده و مطابق ماده ۲۶ قانون مزبور قابل پژوهش بوده بنابراین قرار صادر از دادگاه استان بموجب شق ۲ از ماده ۵۵۹ آئین دادرسی شکسته میشود.)

کسی بخواسته اعسار از محکوم به بدادگاه شهرستان دادخواست داده و دادگاه قرار تقسیط صادر و مقرر میدارد که خوانده ماهیانه مبلغی در حق خواهان بپردازد - خواهان از این قرار پژوهش خواسته و اعتراض کرده که خواننده متمکن برای پرداخت دین است - دادگاه استان پس از رسیدگی بعنوان اینکه قرار تقسیط قابل پژوهش نیست دادخواست را واژده - بر اثر فرجام خواهی محکوم علیه شعبه (۱) دیوان کشور در داد نامه شماره ۲۸۴۰ بتاريخ ۹/۱۱/۱۸ چنین

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

۱- در مورد بیکه دادگاه بزه کسی را که داخل در معامله جنس ممنوع شده شروع بقاچاق دانسته

۲- راجع باینکه دادگاه در مورد شروع بقاچاق علم بقاچاق بودن را لازم ندیده

ماده ۴۰ و ماده ۴۵ قانون مرتکبین قاچاق و ماده تفسیری آن

مرتکبین قاچاق و ماده تفسیری آن خواهد بود نه ماده ایکه مربوط بشروع است چه بطوریکه از حکم دادگاه مزبور مستفاد میشود متهم با علم بقاچاق بودن اشیاء موضوع کشف داخل در معامله با مأمورینی که آنها را نمیشناخته شده بنا بر این عنوان نقل و انتقال بر عمل صادق است و دادگاه استان هم که حکم بدوی را استوار کرده ظاهراً چگونگی عمل را همانطور دانسته یعنی لازمه تأیید آن این است - نایباً در حکم دادگاه استان قید شده که علم متهم بقاچاق بودن اشیاء دلیل ندارد و لازمه این معنی این است که متهم از حیث شروع هم تبرئه شده باشد چه در شروع نیز حتماً علم بقاچاق بودن اموال موضوع دعوی قاچاق شرط تحقق بزه است بنابراین حکم فرجام خواسته مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۳۰ آئین دادرسی کفاری با تفتاق آراه شکسته میشود.)

مأمورین قاچاق کسی را موقع فروش اجناس ممنوع الورد دستگیر نموده و اجناس را ضبط و مبلغ جریمه مطالبه میکنند و چون از پرداخت امتناع داشته باقی پرس قرار توقیف او را در مقابل آن مبلغ صادر و متهم دادخواست برائت بدادگاه جنحه تقدیم میکند - دادگاه در قسمت قاچاق او را تبرئه و عمل را شروع بقاچاق تشخیص و طبق ماده ۴۰ قانون مرتکبین قاچاق و تفسیر ماده ۴۵ بحسب تأدیبه و جریمه نقدی محکوم میکند - اداره قاچاق پژوهش خواسته و حکم در دادگاه استان استوار میشود - شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۷۶۰ بتاريخ ۲/۱۱/۱۸ چنین رای داده است:

(حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی بر هر تقدیر خالی از اشکال نیست زیرا اولاً بکیفیتی که دادگاه نسبت بعمل متهم تشخیص داده عمل او مشمول ماده ۴۵ قانون کفر

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه تشکیل دیوان جنائی مطابق قانون بوده
ماده ۱۸۵ اصلاحی آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر

بر حسب اقتضای دعوی دادستان شهرستان که عمل متهمین را از جهت ایراد جرح منتهی بمرکب مشمول ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر همگانی دانسته و بالتبیین عمل مورد حکم هم بهمین کیفیت بوده طبق ماده ۱۸۵ اصلاحی آئین دادرسی نامبرده "میبايست دادگاه در این مورد از سه نفر تشکیل شود و تشکیل آن از پنج نفر مخالف اصول و قانون بشمار میرود لذا حکم فرجامخواسته اساساً مغدوش است و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی نامبرده بانفاق آراء شکسته میشود...

چند نفر بانهم قتل کسی و بردن اسناد مقتول مورد تعقیب واقع شده و ادعا نامه طبق ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر بدیوان جنائی تقدیم میگردد - دیوان مزبور مرکب از ۵ نفر رسیدگی نموده و حکم محکومیت آنها را صادر میکند - دادستان استان از لحاظ قانونی بودن تشکیل دادگاه فرجامخواسته و شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۵۵۷ مورخ ۱۷/۱۰/۱۸۱۰ چنین رأی داده است:
(چون بطوریکه از طرف دادستان استان اعتراض شده

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه از نظر اینکه نمیتوان زیاده بر درخواست دادستان کیفر معین نمود رأی بکیفر قانونی نداده
ماده ۱۷۵ قانون کیفر

۱۸۱۱ و ۱۸۱۲ چنین رأی داده است:

(اعتراض دادستان استان که استدلال دیوان جنائی مبنی بر عدم جواز تشدید مجازات زائد بر درخواست دادستان شهرستان بيمورد میباشد بنظر وارد است چه آنکه در صورتیکه عمل مورد ادعای دادستان در نظر دادگاه محرز گردد در تطبیق با مواد قانونی و تعیین مجازات دادگاه تابع نظریه دادستانها نخواهد بود بنا بر این حکم فرجامخواسته قانونی نبوده و بانفاق آراء شکسته شده)

چند نفر بانهم منازعه با کسی که در نتیجه منجر بقتل او شده مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و طبق ماده ۱۷۵ اصلی قانون کیفر ادعا نامه تقدیم میشود دیوان جنائی بانکه عمل را با ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر منطق میدانسته ولی از لحاظ اینکه دادستان شهرستان در حدود ماده ۱۷۵ اصلی ادعا نامه تقدیم داشته و نمی توان اضافه بر آن کیفر معین کرد آنها را به حبس تأدیبی محکوم میکند - متهمین و دادستان استان فرجام خواسته و شعبه (۵) دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۰۱۶ بتاریخ

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع بانکه دادگاه در مورد قتل غیر عمدی بدون احراز بی مبالائی یا بی احتیاطی حکم بمحکومیت متهم داده

ماده ۱۷۷ قانون کیفر

است و از هیچ يك از احکام نامبرده معلوم نمیشود که تضاد در اثر بی مبالائی یا رفتار برخلاف انتظامات و غیره بوده است تا اینکه معلوم شود که عمل متهم با کیفیتهای شرط تحقق جرم مقترن بوده یا اخیر بنابر این حکم فرجامخواسته از جهت نقص در تحقیقات بر طبق ماده ۴۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری شکسته شده ...)

کسی بانهم قتل غیر عمدی در دادگاه جنحه طبق ماده ۱۷۷ قانون کیفر بحبس تأدیبی محکوم و در دادگاه استان باستناد احراز ارتکاب بزه و وارد نبودن اعتراضات استوار میشود - متهم فرجامخواسته و شعبه (۵) دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۸۹۳ بتاریخ ۱۸/۱۱/۱۸۱۰ چنین رأی داده است:
(آنچه در نظر دادگاه جنحه استان محرز گردیده این است که معنی علیه در اثر تضاد ماشین متهم فوت نموده

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه برای یکمعمل دو کیفر معین کرده

ماده ۲ الحاقی

حکم شماره ۳۰۱۹ بتاریخ ۱۸/۱/۲۸ چنین رای داده است:

«راجع بمتهم اول باقطع نظر از ورود و عدم ورود اعتراضات او اساساً بر حکم فرجام خواسته این اعتراض وارد است که جرم بیکه در نظر دادگاه نسبت باواجر از شده جعل ته سوش میباشد که مبلغ نوشته شده در آنرا که ۶۲۵ ریال بوده دوازده ریال نموده است و چنانکه در ضمن این عمل واحد مساعدتی هم با متهم دیگر در اختلاس بعمل آمده باشد موجب آن نمیشود که تعدد جرم در نظر گرفته شده و بالتسبیح دو کیفر داده شده بنا بر این حکم فرجام خواسته در این قسمت بر خلاف قانون صادر گردیده و باتفاق آراء بر طبق ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری شکسته میشود.»

دو نفر کارمند شهرداری باتهام اینکه اولی مبلغی عوارض گرفته و قبض صادر میکند و برای مساعدت با دومی (تحویلدار) جهت اختلاس وجه در ته سوش مرتکب جعل شده و دومی مبلغ کمتری تمبر باطل و بقیه را بفتح خود برداشته و ته سوش را بحساب دولت گذارده مورد تعقیب واقع شده و دیوان کیفر دومی را طبق مواد ۱۰۵ و ۱۵۲ قانون کیفر و مواد ۲ و ۳ قانون مختلسین با توجه بماده ۲ الحاقی و ۴۵ مکرر برای استفاده از ته سوش مجعول بحبس مجرد و برای اختلاس بحبس تادیبی و دو برابر وجه اختلاس و انفصال ابد محکوم میکند و متهم اول طبق مواد ۱۰۲ و ۱۵۲ و ۲۸ قانون کیفر و قانون مختلسین و رعایت تعدد تخفیف برای جعل بحبس با اعمال شاقه و برای معاونت با اختلاس بحبس تادیبی محکوم میشود. متهمان فرجام خواسته و شعبه (۵) دیوان کشور در

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه از رسیدگی بدفاع خواننده خودداری کرده

این بوده که در وصیت نامه تصریح شده است که مخارج لازمه رقبات از تعمیر و غیره مقدم بر سایر مصارف مقرره میباشد و فعلاً رقبات محتاج بتعمیر است و برای اثبات احتیاج بتعمیر تقاضای تحقیق و معاینه محلی و کسب نظر کارشناس کرده و دادگاه احتیاج بتعمیر را با فرض صحت مؤثر ندانسته و بدون اینکه وجهی برای عدم تأثیر آن ذکر کرده باشد از رسیدگی بدفاع مذکور خودداری کرده و از این جهت حکم مورد شکایت ناقص و اعتراض فرجام خواه وارد است لذا حکم مذکور بموجب شق سوم ماده ۵۵۹ آئین دادرسی شکسته میشود»

کسی بخواسته مبلغی بابت حق الار تزاوق در دادگاه شهرستان بر دو نفر اقامه دعوی کرده و دادگاه پس از رسیدگی غیاباً و حضوراً حکم بمحکومیت خواننده ها پرداخت خواسته میدهد محکوم علیهما پژوهش خواسته و در دادگاه استان نیز حکم استوار میشود اداره اوقاف (بعنوان اینکه موضوع حکم مربوط بدر آمد موقوفه است و دو نفر محکوم علیهما از دخالت در امر موقوفه ممنوع شده اند) در خواست رسیدگی فرجامی کرده. شعبه (۴) دیوان کشور در حکم شماره ۲۸۴۱ بتاریخ ۱۸/۱۱/۱۵ چنین رای اده است:

«چون از جمله مدافعان خوانندگان از دعوی

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد واژدن دادخواست پژوهشی از حکم بیحقی متهم در مطالبه وجه الضمان

مواد ۱۳۶ مکرر و ۳۵۱ آئین دادرسی کیفری

که رسیدگی دادگاه شهرستان در این قسمت رسیدگی بدوی نیست و عبارت ماده مزبور مفید حصر است صحیح بنظر نمیآید چه آنکه موافق مستنبط از ماده ۳۵۱ آئین دادرسی احکام دادگاههای جنحه که بدو رسیدگی مینماید قابل پژوهش خواهی است و در ماده ۱۳۶ مکرر فقط مرجع شکایت بدوی معین شده بدون اینکه قید شود که احکام مزبوره قطعی میباشد باینجهال حکم دادگاه جنحه در مقام شکایت از اقدام دادستان قابل پژوهش خواهی بوده و قراد دادگاه استان مبنی بر رد دادخواست پژوهشی برخلاف ماده ۴۳۰ آن قانون با تفاق آراء شکسته شده ...

دادستان شهرستان بعلت تخلف متهم از حضور در موعد مقرر دستور ضبط وجه الضمان را میدهد - متهم بدادگاه شهرستان شکایت نموده و حکم بر بیحقی او در مطالبه وجه نامبرده صادر میشود - متهم از این حکم پژوهش خواسته و دادگاه استان (به عنوان اینکه بنا به مستفاد از ماده ۱۳۶ مکرر آئین دادرسی کیفری رسیدگی دادگاه شهرستان در این مورد قابل پژوهش خواهی نیست) دادخواست را و امیزند - بر اثر فرجام خواهی متهم شعبه (۵) دیوان کشور در حکم شماره ۳۰۲۸ بتاريخ ۱۷/۱۱/۱۸ چنین رأی داده است:

(استنباط دادگاه استان از ماده ۱۳۶ مکرر آئین دادرسی)

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در مورد تکرار بزه بیشتر از اندازه قانونی تخفیف داده

ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر و ماده ۲۵ اصلاحی

همگانی و شق اول ماده ۲۵ اصلاحی آن قانون میباشد) بر حکم مزبور وارد است چه با احراز يك پیشینه محکومیت مؤثر و تطبیق عمل مورد حکم باماده ۲۲۶ قانون کیفر همگانی بموجب شق اول از ماده ۲۵ اصلاحی آن قانون حد اقل کیفر قانونی متهم در این مورد سه سال و یکروز میباشد و طبق ماده ۴۵ مکرر آن قانون که تخفیف کیفر را در چنین موردی فقط تا حد اقل تجویز نموده کیفر مقرر در حکم صحیح نخواهد بود و لذا حکم مورد درخواست بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری از این لحاظ شکسته میشود. (.

کسی بزه دزدی تحت تعقیب واقع و در دادگاه جنحه تبرئه میشود - دادگاه استان حکم را کسیدخته و با تطبیق عمل باماده ۲۲۶ قانون کیفر و رعایت شق ۱ ماده ۲۵ اصلاحی از جهت داشتن يك پیشینه مؤثر و با ملاحظه تخفیف او را بششماه حبس تأدیبی محکوم میکنند - دادستان استان فرجام خواهی و شعبه (۲) دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۲۵۴۴ بتاريخ ۱۵/۱۱/۱۸ چنین رأی داده است:

(اعتراض دادرسی استان بر حکم مزبور از لحاظ کیفر مقرر بدین مفاد) کیفر تعیین شده در حکم برای متهم با وجود احراز پیشینه محکومیت مؤثر مشارالیه مخالف ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر